

## ۹۵۱- انستیتوی ایران‌شناسی فرهنگستان علوم اتریش

درین روزها نوشته با ارزشی از دکتر نصرت‌الله رستگار - دوست فاضل خدمتگزار - در معرفی مؤسسه ایران‌شناسی وین به دستم رسید که با اجازه ایشان سرمدخل از تازه‌ها و پاره‌های این شماره قرار می‌گیرد. باید افزود از هنگامی که استاد نامی آقای دکتر برت فراگنر اطریشی از مقام استاد دانشگاهی در آلمان بازنشسته شد و به سرزمین خود بازگشت، «کمسیون» ایرانیستیک وین به «مؤسسه» (انستیتو) تغییر وظیفه و نام پیدا کرد. ایشان اکنون با جدیت مخصوص بخود - همان طور که گروه ایران‌شناسی را در دانشگاه بامبرگ آلمان ایجاد کرد به گسترش فعالیت‌های مربوط به ایران‌شناسی در اطریش پرداخته است.

(نوشته دکتر نصرت‌الله رستگار)

پژوهش‌های شرق‌شناسی در کشور اتریش پیشینه‌ای طولانی دارد و شروع آن حداقل به قرن هجدهم میلادی برمی‌گردد. در سال ۱۷۵۴ «فرهنگستان شرقی امپراطوری - پادشاهی» (K. k. Orientalische Akademie) در وین تأسیس گردید تا به تربیت شرق‌شناسان مورد نیاز حکومت هابسبورگ بپردازد. مهمترین فارغ‌التحصیل «فرهنگستان شرقی» هامیر پورگشتال است که می‌توان او را پایه‌گذار شرق‌شناسی و ایران‌شناسی علمی در اتریش نامید. وی در سال ۱۸۰۹ اقدام به تأسیس نشریه ادواری ادبی «گنجینه شرق» کرد که تا سال ۱۸۱۹ مقالات و متون زیادی

ایرج افشار

فهرست دست‌نویس‌های فارسی

در کتابخانه‌ی ملی اتریش و

آرشیو دولتی اتریش در وین

بخش یکم

کتابخانه‌ی ملی اتریش

دست‌نویس‌های به‌دست آمده از ۱۸۶۸ تا ۱۹۹۴م

(Mix. 755—Mix. 1943)

بخش دوم

آرشیو دولتی اتریش

دست‌نویس‌های به‌دست آمده از ۱۸۴۳م به بعد

(Or. Hs. 510—Or. Hs. 545)



انتشارات فرهنگستان علوم اتریش  
وین ۲۰۰۳



مؤسسه‌ی دفتر فرهنگستان  
تهران ۱۳۸۲ هـ.ش

من جمله درباره‌ی زبان و ادبیات و فرهنگ اسلامی ایران در آن منتشر می‌گردید. هامر پورگشتال در سال‌های ۱۸۱۳ تا ۱۸۱۴ دیوان اشعار حافظ را به آلمانی ترجمه و منتشر کرد. یوهان ولفگانگ گوته، شاعر معروف آلمان، در وایمار این ترجمه را مطالعه کرد و بر پایه‌ی آن «دیوان غربی - شرقی» خود را سرود.

یکی از اقدامات اساسی هامر پورگشتال که از نظر تاریخ علم در اتریش بسیار مهم است، تلاش وی برای تأسیس «فرهنگستان علوم اتریش» بود که سرانجام در سال ۱۸۴۷ متحقق گردید و خود او تا سال ۱۸۴۹ ریاست عالیة آنرا بر عهده داشت. بدین ترتیب پژوهشهای ایران‌شناختی در اتریش از سال ۱۸۴۷ به بعد در «فرهنگستان علوم اتریش» جایگاهی جدید پیدا کرد که تاکنون ادامه یافته است.

مطالعات ایران‌شناختی در سال‌های ۱۹۶۹ تا ۲۰۰۲ در «کمیسیون ایران‌شناسی» فرهنگستان علوم اتریش متمرکز شده بود. گسترش دامنه‌ی پژوهشهای این کمیسیون و نیاز به توسعه‌ی آن، فرهنگستان علوم را بر آن داشت تا در اول ماه نوامبر ۲۰۰۲ یک «انستیتوی ایران‌شناسی» تأسیس کرد. باید در نظر داشت که کرسی و رشته‌ی تحصیلی «ایران‌شناسی» در هیچ یک از دانشگاههای کشور اتریش وجود ندارد و فقط همین انستیتوی ایران‌شناسی و فرهنگستان علوم است که در زمینه‌های متعدد ایران‌شناسی به تحقیق می‌پردازد.

IRAJ APSHAR

CATALOGUE OF PERSIAN MANUSCRIPTS  
IN THE AUSTRIAN NATIONAL LIBRARY AND  
IN THE AUSTRIAN STATE ARCHIVES IN VIENNA

FIRST PART

AUSTRIAN NATIONAL LIBRARY  
THE ACQUISITIONS 1868-1994  
(Mixt. 755-Mixt. 1943)

SECOND PART

AUSTRIAN STATE ARCHIVES,  
HAUS-, HOF- UND STAATSARCHIV  
THE ACQUISITIONS SINCE 1843  
(Or. Ha. 510-Or. Ha. 545)



Fehrestgah Institute  
Tehran 2003



Austrian Academy of Sciences Press  
Vienna 2003

انستیتوی مزبور از یک طرف پروژه مرکزی کمیسیون سابق کار تألیف بقیه جزوات کتاب یازده جلدی «نامنامه ایران» را ادامه می دهد و از طرف دیگر در چهارچوب جدید پژوهشهای علمی خود، فرهنگ قدیم و جدید ایران و نیز فرهنگهای متأثر از آن را در حوزه تمدنهای مناطق آسیای نزدیک، میانه و جنوبی (Iranianate civilizations) بررسی می کند.

این انستیتو مبانی روش شناسی خود را براساس برداشت و تبیینی قرار داده است که در سال ۱۹۸۳ در مجمع مؤسسان «انجمن ایرانشناسی اروپا» در ژنوا برای مفهوم «ایرانشناسی» مشخص گردید و روشهای متعدد و ابعاد علمی وسیعی برای آن در نظر گرفته شد، من جمله روشهای مطالعات «فرهنگ شناختی» (Cultural Studies)، «جامعه شناسی»، «زبان شناسی»، «هنرهای زیبای ایرانی و اسلامی»، «علم ادبیات»، «علم تاریخ»، «انسانشناسی فرهنگی».

بدین ترتیب زبانشناسی «شاخه های زبان های ایرانی» و سنت های تاریخی و ادبی وابسته به آنها در ازمنه گذشته (عهد باستان، دوره میانه و اوائل قرون وسطی) یکی از فعالیت های متعدد انستیتو خواهد بود.

آگاهی از اینکه «دنیای ایرانی» (monde iranien) با پیدایش و رشد «اسلام» از لحاظ فرهنگی به شدت دگرگون شد، باعث گردید که زمینه های دیگری هم به پژوهشهای ایرانشناسی اضافه شود. مثلاً «زبانشناسی زبانهای جدید ایرانی»، «فارسی شناسی»، مطالعات مربوط به «قرون

وسطی» (پژوهش ادبیات و تاریخ این دوره)، همینطور «تاریخ معاصر» و بخش‌هایی از «علم جدید ادبیات»، «انسان‌شناسی اجتماعی» و «انسان‌شناسی فرهنگی».

این فعالیت‌های جدید از نظرگاه منطقه‌ای شامل کشورهای ایران، افغانستان و تاجیکستان است که زبان رسمی آنها ایرانی (فارسی) می‌باشد، اما مناطق تاریخی تحت نفوذ فرهنگ ایرانی را نیز از نظر دور نمی‌دارد: منطقه آناتولی پیش از دوره عثمانی، برخی از مناطق قفقاز، جنوب غربی آسیای میانه و محدوده‌های تاریخ فرهنگ متأثر از اسلام در شبه قاره هند و پاکستان.

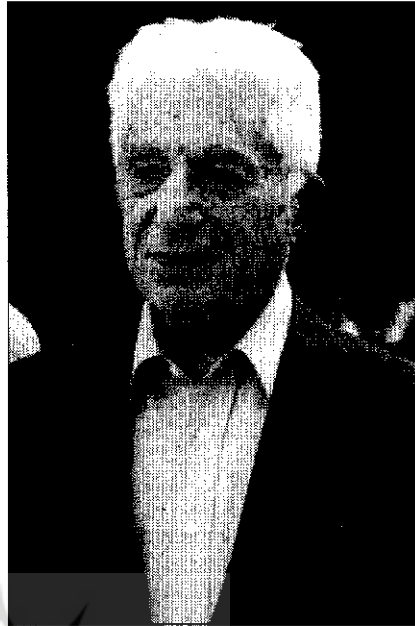
ضمن اینکه تمامی این مطالعات در برنامه کاری انستیتوی ایران‌شناسی فرهنگستان قرار دارد، چهار چوب پژوهشی دیگری نیز برای برنامه دراز مدت آن پیش‌بینی شده است که مربوط به مطالعه «فرهنگ‌های متأثر از فرهنگ ایرانی» است و در آن عمدتاً موضوع تطور تاریخی پدیده‌های «سنتی و مدرن» این فرهنگ‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

(Iranianate civilizations between tradition and modernity).

در این زمینه پروژه‌هایی به اجرا گذاشته خواهد شد تا در آنها پدیده‌های فرهنگی و توسعه آن در عصر جدید از این دیدگاه بررسی شود که کدام مورد و هر یک تا چه حدی به فرهنگ‌های سنتی تعلق دارد و یا بر اثر مراودات و اشکال گوناگون ارتباطات جدید و جهانی (یعنی در مراحل اولیه جهانی شدن) تحت تأثیر عوامل خارجی قرار گرفته‌اند.

به تبعیت از سنت ایران‌شناسی فرهنگستان علوم اتریش، علاوه بر زمینه‌های پژوهشی ذکر شده، به موضوعاتی که احیاناً به اتریش ارتباط داشته باشند، نیز توجه می‌شود. به طور مثال برگزاری همایش بین‌المللی «ایران‌شناسی در اروپا. دیروز، امروز، فردا» که در سال ۲۰۰۲ در گراتس برگزار گردید و [تألیف] «فهرست نسخ خطی فارسی موجود در کتابخانه ملی و آرشیو دولتی اتریش» که... ایرج افشار تهیه [کرد] و در تهران و وین منتشر شد. هم اکنون نیز ترجمه آلمانی قدیمیترین کتاب طب به زبان فارسی یعنی «الآبیه عن حقایق الادویه» تألیف ابومنصور موفق هروی که اُتو فن مبلتسر نیم قرن پیش انجام داده و نیز «فرهنگ فارسی - آلمانی» او در مرحله ویراستاری است. ترجمه آلمانی «تاریخ و صاف» که در قرن نوزدهم به وسیله هامر پورگشتال صورت گرفته بود (ج دوم تا پنجم) نیز برای چاپ آماده می‌گردد.

انستیتوی ایران‌شناسی فرهنگستان اتریش برای همکاری در پژوهش‌های بین‌المللی نیز برنامه‌هایی در دست تهیه دارد، من جمله پروژه‌های: «مینیاتورهای شاهنامه» (دانشگاه کمبریج)، «هویت ایرانی» (CNRS - پاریس)، ایجاد «شبکه پژوهش‌های ایران‌شناسی اروپای مرکزی» (Central European Network of Iranian Studies) است تا محققان بتوانند در همایش‌ها و کارگاه‌های پژوهشی این مرکز با مطالعات یکدیگر آشنا شده و به تبادل نظر به پردازند. همچنین



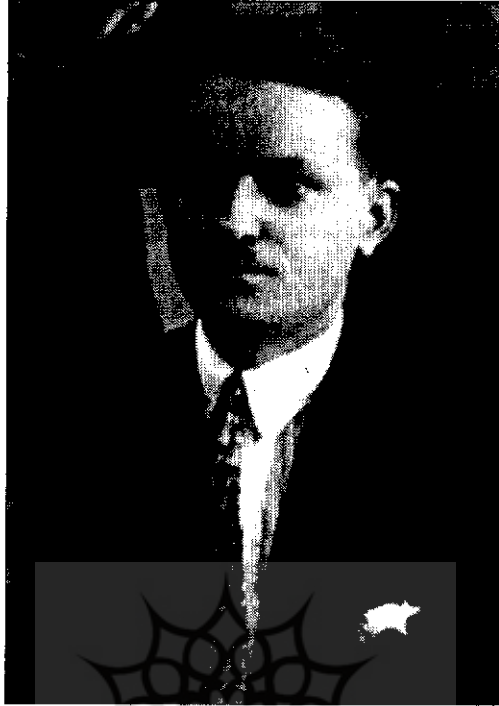
● پروفیسور فضل اللہ رضا

است برنامه‌ریزی برای برپائی «ششمین کنگره مطالعات ایرانشناختی اروپا» که در سال ۲۰۰۷ م در وین برگزار خواهد شد.

### ۹۵۲ - نگاه عالم ریاضی به فاصله فرهنگی

اخیراً دفتری خواندنی به نام «سخنرانیهای پروفیسور فضل الله رضا» توسط «خانه ریاضیات اصفهان» (اصفهان، ۱۳۸۳) انتشار یافته است که در آن چند گفتار از ایشان در سرگذشت غیاث‌الدین جمشید کاشانی و عمر خیام و مباحث مربوط به تکنولوژی و کامپیوتر و پتروشیمی مندرج است. آنچه توجه مرا جلب کرد اشارتی است که در سخنرانی با عنوان «رکود دانشی» به وجود فاصله فرهنگی میان ایران و دنیای غرب در قرن گذشته شده است. از جمله مرقوم داشته‌اند:

استعدادهای خارق‌العاده به ندرت پدیدار می‌شوند. ولی تربیت خانوادگی و مدرسه و محیط می‌تواند استعدادها را خوب یا به مرحله عالی بالا ببرد. یا به رده متوسط پایین بیاورد. صد و پنجاه سال یا صد سال پیش جو فرهنگی ایران فزونی بخش نبود. ولی ستایش‌انگیزست که در همان دوران صدها مرد مانند جمال‌زاده - محمد قزوینی - دهخدا - دکتر مصدق - دکتر مهدی آذر - فروزانفر - همایی - تقی‌زاده، [یحیی] دولت‌آبادی و مجتبی مینوی علی رقم کمبودها و



دشواریها به تحصیلات قدیم و جدید و اشراف به فرهنگ ایران توفیق یافتند و خدمات فرهنگی شایسته کردند. هم زمان با این بزرگان که نام بردم وضع اروپا با ایران از زمین تا آسمان فاصله فرهنگی داشت... در همان زمانی که نوابغ تھی دست جوان ما مانند دهخدا و جمالزاده و تقی زاده و میرزا محمدخان قزوینی از مکتبهای قدیم ایران به اروپا می‌رسند و وسیله تحصیل و راهنما هم ندارند اروپا چند قرن از ما پیش بوده است...»

### ۹۵۳ - مقالات ایرانشناسی عباس اقبال

بعد از محمد قزوینی و سیدحسین تقی‌زاده، عباس اقبال آشتیانی که بیست سال از آنها جوانتر بود یکی از نخستین ایرانشناسان برجسته کشور ایران است. او حق‌گرانی بر همه پژوهشگران ایرانشناسی ایرانی و کشورهای دیگر جهان دارد. تحقیقاتی که از او نشر شده، متونی که توسط او به تصحیح در آمده، ترجمه‌هایی که او از کتب اروپائیان مربوط به ایران انجام داده و بالاخره زبردستی ایران دوستانه‌ای که در انتشار مجله کم مانند «یادگار» به مدت پنج سال داشته است مرا همواره به تکریم خاص نسبت او برانگیخته است. شادم که به اشراف دکتر هوشنگ نهاوندی رئیس وقت دانشگاه تهران در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آن دانشگاه مراسمی خاص او ترتیب دادم و چند تن از بزرگان علمی و شاگردانش درباره او سخنان ماندنی ایراد کردند. ضمناً کوشیدیم

مجموعه تعاللات

# عباس اقبال آشتیانی

بخش اول

کردآوری و تدوین

از  
دکتر محمد دبیر سیاقی



انجمن آثار و مفاخر فرهنگی  
۱۳۸۱

مجموعه تعاللات

# عباس اقبال آشتیانی

بخش پنجم

کردآوری و تدوین

از  
دکتر محمد دبیر سیاقی



انجمن آثار و مفاخر فرهنگی  
۱۳۸۱

تا بقایای یادداشتها و کتابهای دست نوشت او برای همین کتابخانه خریده شد و اکنون شادمانم که کتاب دوستم حسن شایگان به نام «اقبال و تاریخ نگاری» در سلسله انتشارات موقوفة دکتر محمود افشار انتشار یافته است جز آن به راستی مایه سرفرازی و خجستگی است که مجموعه مقالات اقبال در پنج مجلد به چاپ رسیده است.

دکتر محمد دبیر سیاقی از کسانی است که نسبت به ماندگاری و یکجاسازی مقالات و نوشته های پراکنده آن دانشی مرد همتی مردانه و دانش دوستانه انجام داده است. او سالها پیش بخشی از مقاله های اقبال را در دو مجلد منتشر کرد و اینک توانسته است که همه نوشته های مقاله ای و یادداشتی اقبال را در پنج مجلد (۳۵۸۳ صفحه) به چاپ برساند. (از انتشارات انجمن مفاخر و آثار ملی) البته کاری سزاوار مقام اقبال است و برجسته از حیث آنکه تقریباً همه مقالات او را که جنبه پژوهشی دارد در برگرفته است. (اگر چه بعضی از آنها مقالاتی است که در جراید برای آگاهی و تنبه عمومی نوشته شده ولی حاصل تفکر و تجسس های آن مردست). به هر حال کلاً در قلمرو ایران شناسی است. لامحاله ایران شناسان فارسی خوان هم از آن بهره ور باید بشوند. ترتیب تنظیم مقالات درین جلد براساس تقدم و تأخر زمانی است. مقاله نویسی اقبال از سال ۱۳۳۶ قمری در مجله دانشکده به مدیریت ملک الشعرای بهار آغاز شده و طبعاً به سال درگذشت او (بهمن ۱۳۴۴) پایان گرفته است، مگر اینکه چند تا از مقاله های چاپ نشده و

مجموعه مقالات

# عباس اقبال آشتیانی

بخش سوم

کردآوری و تدوین

از  
دکتر سید محمد دبیر سیاقی



۱۳۸۲

مجموعه مقالات

# عباس اقبال آشتیانی

بخش چهارم

کردآوری و تدوین

از  
دکتر سید محمد دبیر سیاقی



۱۳۸۲

یادداشت‌های خورد و ریزش پس از مرگ و دستیابی به نوشته‌های بازمانده از او به توسط محمد شیروانی و دانش پژوه یا من در مجله‌ها به چاپ رسیده است.

عمده مقالات اقبال تاریخی، ادبی و لغوی است و آقای دکتر دبیر سیاقی توصیف خوبی از آنها در مقدمه جلد اول به دست داده است.

در جلدهای اول و دوم و سوم تعداد ۱۷۶ مقاله درج و به ردیف شماره گذاری شده است. جلد چهارم که فهرست مقالات آن بی شماره ردیف آمده حاوی ۶۹ مقاله است. در جلد پنجم تحت عنوان مقالات ترجمه شده (بدون شماره ردیف) متن ۲۵ مقاله نقل شده است. اما اغلب مقالات این بخش از قلم شخص اقبال است نه ترجمه.

قسمت دیگر این جلد فهرست نامه‌های دیگران و توضیحاتی است که اقبال به دنبال آن نامه‌ها در مجله یادگار نوشته و اغلب حاوی اطلاعات مفیدی است که اقبال با احاطه بی‌مانندش بر جوانب مختلف فرهنگ ایران به اطلاع نامه‌نویسان رسانیده است. درین قسمت آنچه درباره کتاب گیائیه در طب آمده مربوط به نخستین نامه‌ای است که من به نام افشار به مرحوم اقبال نوشته بودم و دوستم دکتر دبیر سیاقی، چون آن نوشته جنبه نسخه‌شناسی دارد آن را به نام دوست فقیدمان احمد افشار شیرازی ضبط کرده‌اند. در حالی که او اهل مقاله و یادداشت‌نویسی نبود دیدن این فهرست مفصل به یادم آورد سه نامه دیگری را که در مباحث مربوط به وسیله



تشخیص آبیاری زیرزمینی، کلمات سالیانه و ماهیانه، و لهجه طهرانی به آن بزرگمرد نوشتم و اگر چه همه ناپخته بود ایشان به منظور تشویق از کهران هیچ مدان در مجله یادگار به چاپ رسانیده و با افادات مؤثر مرا از نکته‌های تکمیلی آگاه ساخته بود. این قسمت درین مجموعه «ما و خوانندگان» عنوان دارد همان طور که در مجله یادگار به همین عنوان به چاپ می‌رسید، کاش در شماره‌گذاری پاره‌های این بخش رعایت شماره ردیف شده بود نه شماره‌ای که در هر یک از شماره‌های یادگار به تعداد نامه‌های چاپ شده در آن شماره داده شده بود. این نکته هم گفته شود که این بخش از یادگار در هیچ یک از مجله‌های دیگر فارسی زبان به قوت و فایده کاری نبود که عباس اقبال انجام می‌داد.

«معرفی و نقد مطبوعات تازه» که ظاهراً همه آنها نوشته مرحوم اقبال بوده است بخش چهارم این مجموعه را در بر می‌گیرد.

قسمت پنجم فهرستی است از مقداری از نسخه‌های خطی کتابخانه سلطنتی که آن مرحوم نوشته بود و مرحوم محمدتقی دانش پژوه آنها را به زیور چاپ آراست.

قسمت ششم یادداشت‌های کوتاه و برگه‌ای مرحوم اقبال است و نخست آنها را آقای محمد شیروانی به سرانجام رسانید.

نکته‌ای که می‌بایست از جانب آقای دکتر دبیر سیاقی اعمال می‌شد و از دستکار ایشان فرو افتاده است ذکر تاریخ نشر مقالات مندرج در جلد چهارم است. البته شاید برای آسانی مراجعه کنندگان بهتر آن بود که فهرست‌های پایانی یک کاسه شده بود تا برای یافتن یک نام به یک جا مراجعه می‌شد. جز آن ضرورت داشت که فهرستی موضوعی از مقالات نیز تهیه و عرضه شده بود. اکنون چون مقاله‌ها به ردیف تاریخی چاپ شده است یافتن مقالات در یک زمینه دشوارگونه شده است.

اقبال از ایرانشناسان پرکار در چند رشته بود. آنچه از قلم او برآمده ماندگارست، حتی مقالاتی که جنبه خاص زمانی دارد مانند رشته مقالات «مسائل روز» که در مجله یادگار نوشته می‌شد. جای نگرانی است که اغلب آنها هنوز هم بر مصداق خود باقی است. نام انگلیسی کتاب بهتر بود که Collected Works of A. Eghbal گفته شده بود زیرا خود او گردآورنده نبوده است.

#### ۹۵۴ - کازوئو موریموتو

ایشان محقق جوان ژاپونی در نسب‌شناسی است. در سپتامبر ۲۰۰۴ به اخذ درجه دکتری نایل شد. نام رساله‌اش چنین است: «سادات، نسابه‌ها، نقبا. مطالعه در متون نسب‌شناسی سادات (شرفا) از اواخر قرن دهم میلادی تا اواخر قرن پانزدهم». رساله به زبان ژاپونی است در ۵۸۶ صفحه.

تاکنون از ایشان یازده مقاله جدا در زمینه‌های مربوط به سادات‌شناسی و «شریفولوژی» (به اصطلاح خود او) در مجلات شرق‌شناسی ژاپون انتشار یافته است. جز آنها مقاله‌ای هم به زبان فارسی در مجله دانشکده ادبیات مشهد انتشار داده بود. مقاله‌ای هم به ژاپونی درباره سفرنامه ناصرخسرو نوشته است.

#### ۹۵۵ - شماره مخصوص Oriente Moderno

مؤسسه شرقی نالینو ایتالیایی دو مجله خاص شرق دارد. یکی که میکائیل برناردینی از گردانندگان آن و خاص مطالعات تاریخی جدی قدیم است Eurasian Studies نام دارد و بیش از دو سال نیست که به نشر آن آغاز شده است.

اما دیگری به نام شرق نو Oriente Moderno مجله‌ای قدیمی است و تاکنون جمعاً هشتاد و سه مجلد از آن انتشار یافته و دوره جدیدش به سال بیست و دوم رسیده است.

شماره اول سال ۲۰۰۳ آن به ادبیات معاصر ایران، میان نوجویانگی و سنت خواهی اختصاص دارد. اهم مقاله‌هایی که درین شماره درج شده اینهاست.

Michael Beard: نظری به هنر اسمعیل خوبی در مهاجرت

Jiri Becka: دو ایرانی و شعر جدید تاجیک

G. van den Berg: احساس شعری و نمونه‌های در شعر تاجیکی

Mario Casari: پینوکیوی فارسی

حمید دباشی و گلریز دهدل: نیما یوشیج و مباحث ملی

Roxane Haag - Higuchi: جریانه‌های تاریخی در داستان‌نویسی فارسی

حسن میرعابدینی: نقد ادبی در ایران

Michele Piemonterse: درباره فروغ فروغزاد

Massimiliano Polimeno: مسئله زبان و هویت ایرانی

Carlo Saccone: درباره بوف کور صادق هدایت

Rivanne Sandler: درباره سیمین دانشور - نمونه نوجویی

Marta Simidchieva: درباره بوف کور صادق هدایت

#### ۹۵۶ - نقاشی دیواری از میان رفته (صورت فتحعلی شاه)

عمادالسلطنه (حسینقلی میرزا سالور) فرزند عزالدوله بود. او هم مانند برادر کوچکتر خود قهرمان میرزا عین السلطنه دارای روزنامه خاطرات است که با لطف همکارانه حضرت مسعود سالور در دست چاپ شدن است.

زمانی که عزالدوله حاکم زنجان بود عمادالسلطنه در سفر صفر ۱۳۲۰ که به آنجا رفت صحبت از عمارتی می‌کند که فتحعلی شاه در آبادی سلطان آباد نزدیک به سلطانیه ساخته بود. قطعاً نام سلطان آباد هم به مناسبت ایجاد آن آبادی بوده است که به دستور آن پادشاه ایجاد شده بود. در ساختمان مفصل آنجا یازده قطعه نقاشی دیواری بوده است که در سال ۱۳۲۰ هنوز قابل دیدن و شناختن می‌بوده. چون در جایی ذکری از آن دیده نشده است آن را برای آگاهی مورخان نقاشی ایرانی نقل می‌کند.

«همه جا آمدم تا سلطان آباد. داخل عمارت فتحعلی‌شاهی که روی تپه بنا کرده بودند شدم. عمارات مفصل در هم. اما، حالا ویران و خراب که از حکومت نظام السلطنه به بعد دیگر تعمیر نکردند و سرایدار ندارد و آن تقریباً از سال ۱۳۰۴ می‌شود. اما خوب عمارت مفصلی بوده. در یک اطاقش که حالا سقف ندارد شبیه فتحعلی‌شاه سواره که با نیزه آهو می‌کشد بود با شکل ده شاهزاده که هر شکلی در یک طاقچه [بود]. از شکل حسینعلی میرزا جوان معلوم بود که در اوایل سلطنت فتحعلی شاه این عمارت ساخته شده. اندرونی و خوابگاه و غیره را تماشا کرده، سبحان الله که در صد سال چند هزار آدم آمده و رفته و در این عمارات چه عیشها کردند. حالا صدایی از جایی شنیده نمی‌شود. مگر صدای دلچپه و زاغچه.»

#### ۹۵۷ - فهرست نسخه‌های خطی سرای یو

کتابخانه‌ی غازی خسروبیگ در سرای یو (بسنی) یکی از کتابخانه‌های مهمی است که دارای نسخه‌های خطی زیادست (عربی - ترکی - فارسی و بسنوی). تاکنون سیزده مجلد از آن توسط مؤسسه الفرقان انتشار یافته و سیزدهمین جلد این فهرست چهل و هفتمین جلد از فهرستهای است که آن مؤسسه تاکنون نشر کرده است.

مجلد سیزدهم خاص کتب تصوف است و آن را هاسو پوپارا Haso Popara تنظیم کرده است. درین مجلد ۲۷۹ نسخه اعم از تک کتابی یا مجموعه معرفی شده است. روش تألیف درین فهرست در مورد مجموعه‌ها آن است که نخستین جزو از آن به هر زبانی باشد آن مجموعه در بخش مربوط به آن زبان معرفی می‌شود و به تبع اجزاء دیگرش را ذیل همان رساله‌ی نخست می‌شناسانند.

درین فهرست یکصد و بیست و نه نسخه‌ی عربی و یکصد و هشت نسخه‌ی ترکی و چهل نسخه‌ی فارسی و دو نسخه‌ی بسنوی معرفی شده است و مجموعاً مربوط به ۵۴۵ تألیف است.

نسخه‌های احیاء علوم الدین غزالی مورخ سال ۵۰۰ (یعنی زمان حیات مؤلف) و مورخ ۵۲۶ و ۵۶۲، مرصادالعباد مورخ ۶۷۳، نفحات الانس مورخ ۹۱۰، رشحات عین الحیات ۹۷۲ از نسخه‌های معتبری است که برای چاپ کردن این متون طبعاً ارزشمند خواهند بود.

# مرصاد العباد

بیت

نهم رازی

[ نهم العبدین ابو بکر بن محمد بن طاهر بن ابو بردان بن ابو سیرک و ناه ]

و تصانیف

دکتر محمد امین ریاحی

شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

## ۹۵۸ - کهن ترین نسخه خطی مرصاد العباد

در جلد سیزدهم فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه غازی خسروبیگ واقع در سرای یو (چاپ ۲۰۰۴) نسخه‌ای از مرصاد العباد معرفی شده است به خط محمد بن المرزبان بن شاه خسرو بن المرزبان در ۲۴ ذی القعدة سال ۶۷۳.

دانشمند متبحر دکتر محمد امین ریاحی نزدیک سی نسخه را در مقدمه چاپ منتقح خود معرفی کرده است (البته از دو تحریر کتاب) و در میان آنها دو نسخه تاریخدار است که کتابت آنها در نیمه دوم قرن هفتم انجام شده.

یکی مورخ ۶۸۴ (تحریر اول) متعلق به کتابخانه شهر بورسا (ترکیه).

دیگری مورخ ۶۸۵ از تحریر دوم متعلق به کتابخانه ملی وین. (اطریش)

بنابراین نسخه غازی خسروبیگ یازده سال قدیمی تر است از آنچه تاکنون قدیمی تر دانسته می‌شد و آگاه شدن ازین نسخه تازه‌یاب برای دکتر ریاحی خبر خوشی خواهد بود.

امیدوارم میکروفیلمی از آن بتوانم تهیه کنم و آن را به دوست شریف و عزیز تقدیم دارم.

## ۹۵۹ - غزلی از و صاف الحضرة به یاد شیراز و خط او

و صاف الحضرة شیرازی مؤلف تاریخی که آن را به ترحمة الاعصار نام نهاد و به «تاریخ

وصاف» شهرت گرفت غزلی دارد که در نسخه خط خود او مضبوط است. این غزل را شاید حافظ دیده باشد به مناسبت آنکه در آن یاد مصلی و آب رکن آباد شد. و ضمناً از اشاره‌ای که به «باغ بنفشه» کرده است می‌توان دریافت که باغی مشهور در شیراز بدان نام وجود داشته است که وصاف در بغداد به یاد آنجا می‌بوده است. شاید «شوخی چشم شیرازی» هم نظیره است به «ترک شیرازی» حافظ. (عکس نخسه مرحمتی آقای عثمان غازی از مورخان ترکیه).

چون ممکن است محققان غزلیات حافظ را به کار آید به نقل آن می‌پردازد.

نقاب غنچه چو مشاطه صبا بگشاد	زمانه روی زمسین را لباس مینا داد
فسرد در دل من خون چو غنچه تو بر تو	ز بس که در زه من روزگار خار نهاد
نه ساز عشق چو بلبل، نه برگ عیش چو گل	به راستی که چو سرورم ز نیک و بد آزاد
به چشم نرگس و زلف بنفشه و رخ گل	به عارض سمن و لطف قامت شمشاد
اگر چه آب فرات است مایه بخش روان	و گر چه روضه خلدست قطعه آباد
چو آب ناله کنان هر نفس همی گویم	خوشا هوای مصلی و آب رکن‌آباد
زمان زمان دل سرگشته‌ام در آویزد	به یاد «باغ بنفشه» چو زلف یار به باد
کجاست یاخبر آن شوخ چشم شیرازی	که دجمله‌ای ز دو چشمم در بغداد
حدیث ازین دل چون کنم که شدم	به حله گاه چو به رحبه گاه ناشاد
سرشک من شده مستور بی‌گل رویش	که ضیمران به دلم داغ ران بنهاد
اگر چه تازه و مشکین دم است قداحه	مرا به دیدنش از دیده ارغوان افتاد

#### ۹۶۰ - خط و صاف الحضیره

آقای عثمان غازی از ایرانشناسان جوان اما خجسته مآل و پرتوان و دلسوز ترکیه در سفر تازه خود عکسی از انجامه نسخه‌ای از تزجیه الاعصار (معروف به تاریخ و صاف) را که مؤلف آن را در سال ۷۱۱ کتابت کرده است، برای من به هدیه آورد. خوشبختانه خود او مقالتی درباره این نسخه عجیب نوشته است که در شماره تازه نامه بهارستان انتشار یافته است. فعلاً عکس یک صفحه آن به چاپ می‌رسد تا علاقه‌مندان آگاه باشند که خط یک مورخ دانشمند دیگر ایران از دگرگونیهای بی‌رحم روزگار برکنار مانده است.

#### ۹۶۱ - نامه‌ای از دکتر مصدق

بر دیوار اطاقی از مزار دکتر مصدق در احمد آباد عکس نامه‌ای نصب است که ندیده‌ام در

جایی به چاپ رسیده باشد. از آقای علی مصدق سپاسگزارم که لطف کرد و عکسی از آن برای من فراهم ساخت. متن نامه چنین است

احمدآباد ۱۹ اسفند ۱۳۴۲

جناب آقای عزت‌الله نجفی

عرض می‌شود مرقومه محترمه مورخ ۱۶ اسفند عزّ و وصول ارزانی بخشید و از توجهی که نسبت به این اقلّ هموطنان دارید نهایت امتنان حاصل گردید. قبول بفرمائید از پیش آمدهائی که برای جنابعالی روی داده است بسیار متأثر شدم و برای تسلی خاطر تان عرض می‌کنم هر کسی باید وضعیّت خود را با یک وضعیّت بدتری مقایسه کند و بعد خود را تسلی دهد از وضعیّتی که از آن بتر هم بوده است و آن بتر، وضعیّت خود بنده است که سه سال در لشکر ۲ زرهی و عن قریب هشت سال خواهد بود در قلعه احمدآباد زندانی هستم و حق خروج از قلعه ندارم و غیر از افراد خانواده‌ام کسی را بدون اجازه از سازمان امنیت نمی‌توانم بپذیرم. با این حال وقتی وضعیّت خود را با وضعیّت بدتری مقایسه می‌کنم شکر می‌کنم خدا را که از این هم بتر نشود و «هر چه هست از قامت ناساز بی‌اندام ماست».

در خاتمه تشکرات خود را از گوجه و پرتقال مرحمتی تقدیم می‌کنم و از روی حقیقت خود را قابل این اندازه توجه و لطفی که فرموده‌اید نمی‌دانم و امیدوارم که رفع کسالت از سرکار علیّه خانم شده باشد و همیشه سلامت و خوش باشید.

۹۶۲ - ته دسته چک مصدق و روشن او در چک‌نویسی  
یک قطعه ته دسته چک بانک بازرگانی ایران مربوط به حساب شماره ۳۲۰۰۰۰ دکتر محمد مصدق از سوی آقای غلامعلی مصدق به فرزندم بهرام به یادگار داده شد و او آن را به من داد که در گنجینه سپرده‌ام به مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی به یادگار بگذارم.  
مصدق روی آن نوشته است: «از تمام شماره‌های این دسته چک آنچه لازم بود یادداشت شده دیگر احتیاج به مراجعه نیست».

چکهای این دسته چک از تاریخ ۹ بهمن ۱۳۳۶ تا ۲۱ تیر ۱۳۳۷ صادر و سه عدد از آنها باطل شده است.

مصدق مبلغ هر چک را به رقم سیاقی در فوق اعداد هندی ریالی به تومان هم قید می‌کرده است: برای آن که طرز کار او بهتر نمایان باشد صورت چکها را درین جا می‌آورد. چه بسا برای کسانی که تاریخ زندگی او را خواهند نوشت مفید باشد.

۹ بهمن ۱۳۳۶ آقای محمد شرافتیان ۵۰۰۰۰ ریال

۱۰ بهمن ۱۳۳۶ آقای مهندس احمد مصدق وجهی که در ۱۳ دی ماه ۳۶

به این جانب قرض داده بود ۶۰۰۰۰ ریال

این وجه بموجب چک شماره ۸۴۲۷۷/۲۰ بهمن ماه ۳۷ بانک بازرگانی پرداخته شد. این استقراض به شرح زیر پرداخته شد.

ایضاً ۱۰ بهمن ۱۳۳۶ آقای مهندس احمد مصدق وجهی که در ۲۰ دی ماه ۳۶ به من قرض داده بود و به خرج این جانب رسیده است به موجب چک شماره ۵۸۴۲۷۸/۲۰ بهمن ماه ۳۶ بانک بازرگانی این وجه پرداخته شده

۱۴ بهمن ماه ۱۳۳۶ آقای دکتر غلامحسین مصدق ائاثیه بیمارستان (ص ۱۷ دفتر ۱) ۵۰۰۰۰۰

ریال (پنجاه هزار تومان)

۲۰ اسفند ۱۳۳۶ آقای استاد علی اکبر شفیمی انعام لارویی قنوت ساوجبلاغ تا این روز پنج مرتبه آمده

بود. (ص ۱۹ دفتر شماره ۱) ۵۰۰۰۰ ریال

۲۳ اسفند ۱۳۳۶ آقای سرهنگ تقی (ناخوانا) بابت قیمت چهل خروار گاه که به ایشان هدیه شده (ص

۴۱ دفتر شماره ۲) ۱۰۰۰۰ ریال

۲۴ اسفند ۱۳۳۶ احمد مصدق برای عیدی ضیاء اشرف و مجید در سال ۱۳۳۷ (دفتر شماره اول ص

۴۶ - دفتر حساب این جانب) ۲۰۰۰۰ ریال

۲۴ اسفند ۱۳۳۶ آقای محمد شرافتیان (در حساب اسفند ماه ۳۶ آقای شرافتیان جمع شده)

ریال ۱۰۰۰۰۰۰

۸ فروردین ۱۳۳۸ سید عبدالله اسدی دارای شناسنامه... صادر از (سهر القلم به جای ۱۳۳۷) کاشان

- وجهی است که به خود این جانب رسیده شده است داده ام (وجوه ارسالی. ص ۴۳)... (کلمه ای ناخوانا)

ریال ۸۰۰۰۰۰

۲۶ فروردین ۱۳۳۷ شاهدوست وحدت ساوجبلاغ سر تحصیلدار دارائی از بابت مالیات سال ۱۳۳۶

درفوز آباد - احمد آباد - حسین آباد - سیدآباد (ص ۷۱ دفتر شماره ۱) ۱۱۹۲۲۹ ریال

۶ اردی بهشت ۱۳۳۷ سید عبدالله اسدی دارای شناسنامه... صادر از جوشقان (ص ۴۴ دفتر وجوه

شماره ۲ به مصرف مخارج احمدآباد رسیده)

۱۲ اردی بهشت ۱۳۳۷ آقای مهندس احمد مصدق طلب او تا آخر حساب سوم ۲۸۸۸۵ ریال

۱۵ اردی بهشت ۱۳۳۷ خانم ضیاء اشرف بیات مصدق مخارج خدیجه خانم (ص ۲۱ دفتر حساب

شماره ۱ نوشته شد) ۴۰۰۰۰ ریال

۱۸ اردی بهشت ۱۳۳۷ سید عبدالله اسدی دارای شناسنامه... صادر از کاشان (ص ۴۸ دفتر وجوه

- شماره ۲. مصرف مخارج محلی شده) ۱۰۰۰۰ ریال
- ۲۸ اردیبهشت ۱۳۳۷ آقای مهدی سین رعنی (؟) شناسنامه شماره ۶۴ (دفتر وجوه ص ۵۱ صرف مخارج محلی شده) ۱۰۰۰۰۰ ریال
- ۷ خرداد ۱۳۳۷ آقای مهدی سین رعنی (؟) شناسنامه شماره ۶۴ (ص ۵۸ دفتر شماره ۲ مخارج محلی) ۱۰۰۰۰۰ ریال
- ۲۰ خرداد ۱۳۳۷ آقای وحدت سر تحصیلدار، بقیه مالیات دارائی طهران سال ۱۳۳۴ [کذا] املاک ساوجبلاغ (ص ۷۳ دفتر شماره ۱ نوشته شده) ۱۳۵۷۹۱ ریال
- ۱۴ خرداد ۱۳۳۷ آقای دکتر غلامحسین مصدق بابت سند شماره ۳۶ استقراض این جانب علی الحساب (ص ۱۰۵ دفتر شماره ۱) ۲۰۰۰۰۰ ریال
- ۱۶ خرداد ۱۳۳۷ حمید مصدق خرج مسافرت ۱۵۰۰۰ ریال
- ۲۷ خرداد ۱۳۳۷ آقای مهدی سسین رعنی (؟) دارای شناسنامه شماره ۶۴ (ص ۵۶ دفتر شماره ۲ صرف مخارج محلی شده) ۱۰۰۰۰۰ ریال
- ۴ تیر ۱۳۳۷ مهدی رعنی (؟) وجهی که به خود این جانب داده (ص ۵۷ دفتر شماره ۲ صرف مخارج محلی شده) ۱۰۰۰۰۰ ریال
- ۲۱ تیر ۱۳۳۷ بیمارستان نجمیه خرید یک صندوق چای ۲۵ کیلو از [قرار] ۲۴۵ ریال (ص ۷۰ دفتر جدید) ۶۱۲۵ ریال
- ۲۱ تیر ماه ۱۳۳۷ احمد مصدق ثلث کرایه خانه از ۱۳ تیر تا ۱۳ مرداد ۳۷ ۲۱۶۶ ریال (چک شماره ۷۵۵۶۵۵ / ۲۱ تیر ماه ۳۷ حواله بانک ملی شد.) و این چک باطل شده است.

### ۹۶۳ - جمعیت و زلف پریشان

نمی دانم آیا دیگری متذکر شده است که میان این مصراع حافظ «کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم» با مصراعی از مولانا مشابَهت وجود دارد یا نه.

مولانا در بیتی سروده است:

دستها را همه در دامن خورشید زنید همه جمعیت از آن زلف پریشان آرید.

### ۹۶۴ - هفتمین کنگره بین المللی شرق شناسان

هفتمین اجلاس کنگره بین المللی شرق شناسان به سال ۱۸۸۶ در شهر وین برگزار شد و مجموعه‌ای از خطابه‌های ایراد شده در آن را ناشری به نام Alfred Hölder که ناشر «درباری - دانشگاهی» بود در سال ۱۸۸۹ به چاپ رسانید.



کمیته برگزار کننده کنگره مرکب بود از شش نفر. در آن میان فریدریش مولر و ژوزف کرابا - چک از متخصصینی بودند که در شناخت فرهنگ و ادب ملل اسلامی متشخص بودند و در کمیته علمی این اشخاص از شرق شناسان نامی اطریش مشارکت کرده بودند: دکتر ژوزف پولاک (طیب ناصرالدين شاه) - شلخته واسارد (O. Schlehta - Wasschlard) - (در فهرست نسخه های خطی اطریش معرفی او آمده است) - دکتر ف. زلیگمان (استاد دانشگاه وین که نخستین بار کتاب الابیه عن حقائق الادویه را تصحیح و نشر کرد و متبحرانه اهمیت آن نسخه و متن را وانمود کرد) - و. توماچک (W. Tomaschek) (استاد دانشگاه وین) - ا. واهرموند (A. Wahrmond) (عضو آکادمی شرقی پادشاهی).

از ایران کسی درین کنگره شرکت نداشت. اما نام ایران به مناسبت آنکه پولاک طیب ناصرالدين شاه بود، یاد شده است. از ممالک شرقی، دولت عثمانی هیأتی چهار نفری به آن کنگره اعزام کرده بود که غالباً اعضای مرتبه های بالای وزارت معارف بوده اند.

از محققان نامی اطریش وامبری (درویش دروغین) و گلدزهر درین کنگره شرکت داشته اند. تعداد اشخاص شرکت کننده و سازمانها ۴۲۴ بوده است (اطریش ۱۱۶ - آلمان ۶۰ - بلژیک ۷ - دانمارک ۴ - اسپانیا ۱ - فرانسه ۴۶ - انگلستان ۴۸ - یونان ۱ - ایتالیا ۱۸ - هلند ۳۲ - پرتغال ۱ - رومانی ۱ - روسیه ۳۰ - سوئد و نروژ ۷ - سوئیس ۶ - ترکیه ۴ - افریقا (مصر و تونس) ۹ - امریکا ۱۱ - آسیا (هند و ژاپون و بیروت ۲۵).

از بزرگان ایرانشناسان که در آن مجمع بوده اند: نامهای زیر را می آورم  
آلمان: و. گایگر - ه. هوبشمان - ت. نولدکه - ا. زاخائو - ا. شریدر - اشپیگل.

بلژیک: ک. دوهارله

دانمارک: ا. مهن

فرانسه: باریبه دومینارد - ه. کوردیه - ژ. دارمستتر - ش. شفر.

انگلستان: ا. الیس - ه. اته - ماکس مولر - گی لسترنج.

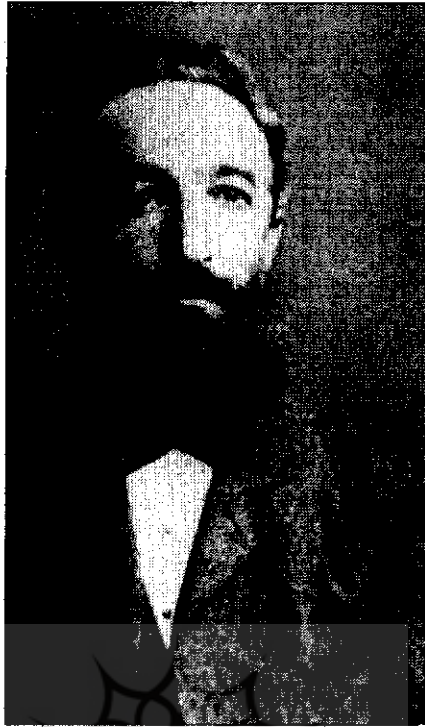
ایتالیا: ژ. گویدی.

هلند: م. دخویه - م. هوتسما.

روسیه: ویکتور روزن - ک. زالمان.

## ۹۶۵ - عکسهای ارنست هولتسر

هولتسر آلمانی که مهندس بود سالهای زیادی در اصفهان اقامت کرده بود. او در ۱۲۸۴ در



از نست هولتسر

آلمان متولد شد. و از ۱۸۶۳ برای خدمت در تلگراف انگلیس استخدام و به ایران اعزام شد و در ۱۹۱۱ در جلفا درگذشت.

هولتسر به هنر عکاسی توجهی خاص داشت و عکسهایی از مناظر اصفهان و بعضی شهرهای دیگر و مردم و پیشه‌ها و آیین‌ها انداخته است که امروز بر جای است، به تعداد ۱۰۰۹ عکس.

نخستین بار محمد عاصمی مدیر مجله کاوره (جدید) معرف واقعی این عکسها شد. اگرچه آقای ضیاء رضوی مقدمه شرحی درباره این مجموعه در همان مجله منتشر ساخت (فروردین ۱۳۵۱) ولی با انتشار کتاب «ایران در یکصد و سیزده سال پیش ما» (۱۳۵۵) که محمد عاصمی زحمت تهیه و توضیح نویسی آن را عهده‌دار شد اهمیت مجموعه عکسهای هولتسر بر ارباب بصیرت آشکارا گشت. نام آن کتاب مناسب انتخاب نشده بود زیرا با گذشت هر یک سال که بر عمر عکسها افزوده می‌شد یک سال از تاریخ واقعی عکس دور می‌شدیم. یعنی امروز که سال ۱۳۸۳ است بیست و نه سال باید بر نام آن کتاب آن افزود. یعنی اکنون نام کتاب می‌بایست ایران در یکصد و چهل و دو سال پیش باشد. به هر تقدیر قدر خدمت عاصمی بر جای خود باقی است.

کتاب مذکور حاوی عکسهای بسیار دیدنی بود و آن طور که از محمد عاصمی شنیده بودم قصد داشت مجلد دیگری هم انتشار دهد. ولی روزگار مجال را بر او تنگ ساخت.



مجموعه عکسهای هولتسر که در مرکز مردم‌شناسی ایران نگاه‌داری می‌شد پس از بهمن ۱۳۵۷ در اختیار دوائر دیگر دولتی بود تا اینکه در سازمان میراث فرهنگی استقرار گرفت. با گذشت بیست و نه سال از آن زمان، بخش مرکز اسناد و مدارک میراث فرهنگی در صدد برآمد که به مناسبت کمیابی کتاب مذکور و باز نمودن اهمیت عکسهای مجموعه هولتسر کتاب جدیدی را منتشر سازد. این کار ناشی از همت خانم مهندس فریبا فرزام است که اینک چاپ گسترده‌تر و زیباتری از عکسهای هولتسر را می‌بینیم. کتاب مقدمه‌ای دارد به قلم آن بانوی فرزانه در معرفی مجموعه و سابقه به دست آمدن آن و معرفی کوششهای مفید محمد عاصمی.

نکته‌ای که درباره مقدمه خانم فرزام باید یاد کرد این است که مجله کاوه (به مدیریت آقای محمد عاصمی) که در مونیخ انتشار می‌یابد. «دوره جدید» کاوه‌ای نیست که سیدحسین تقی‌زاده و یارانش از سال ۱۹۱۶ تا ۱۹۲۱ در برلین انتشار می‌داده‌اند. البته کوشش عاصمی در انتشار مجله فارسی در مونیخ در زمان خود برای ادب فارسی و ایرانشناسی اهمیت داشت، ولی کاوه عهد تقی‌زاده به منظوری و روشی دیگر انتشار می‌یافت.

نوشته بعدی این کتاب به قلم خانم پریسا دمندان توضیحی است گویا از چگونگی اجرای کار، و سپس سخنی است درباره ورود عکاسی و تلگراف به ایران و سرگذشت هولتسر و

یادداشتها و عکسهای برداشته شده توسط او و توضیحات پاورقیانه و فهرست منابع و فهرست اعلام.

عکسها بسیار خوب چاپ شده است. نظم موضوعی دارد. از آنچه مربوط به اصفهان است آغاز می شود و به تهران خاتمه می یابد. نوشته اند که حدود چهار صد عکس درین مجموعه آمده است. کاش به عکسها شماره داده بودند که هم تعداد آنها مشخص می بود و هم برای ارجاع دادن به خود عکس بهتر بود تا شماره صفحه.

توضیحات زیر عکسها ظاهراً از خانم پریساست زیرا در شناسنامه کتاب از ایشان به نام «پژوهشگر» یاد شده است. چند نکته ای که برای خالی نبودن عریضه خدمتشان عرض می شود اینهاست:

ص ۷۷ - ظاهراً بهترست که تبرک را طبرک نوشت. تصرف رسم الحرفی در نامهای جغرافیایی قدیم درست نیست. مانند این است که طبس را به تبس برگردانید. طهران هم بی دلیلی به تهران برگردانیده شده است. این «ط» که در طبس و طوس و طهران و طبرستان و طرخوران و دهها نظیر آنها وجود دارد تلفظی خاص بوده است میان دال و تا که خاص ایرانیان بوده است.

ص ۹۴ - بنان الملک از همراهان ظل السلطان نبود. در دستگاه آن مستبد ظالم ضد هنر خدمت دیوانی دیگری داشت.

ص ۱۲ - مدرسه شاه را بهترست همان طور که تداول و شهرت داشته است «مادر شاه» بنامیم.

ص ۱۲۸ - «خانه ای قدیمی در اصفهان» عنوان مناسبی به نظر نمی رسد. وضع ساختمان و دیوارهای اطراف آن حکایت از سر در شاهانه باغی می کند. معمولاً خانه را وسط باغها می ساختند و اگر باغی شاهانه و مفصل و از آن بزرگان بود در مدخل آن ساختمانی را بر پا می کردند که عمله و اکره دستگاه او در آن سکنی می کرده اند از قبیل قاپوچی و...

ص ۱۳۸ و ۱۳۹ - هر دو عکس از یک جای معین و با اشخاص معین است و معلوم می شود که هولتسر آن دو شخص را واداشته بوده است به آنکه در یک صحنه نماز بخوانند و در به غذا خوردن. بنشینند: از نوع صحنه سازیهای عکاسان است. قلیان و درخت و قالیچه در هر دو عکس یکسان است.

ص ۱۴۱ و بعد - به جای تعزیه گردان ظاهراً بهترست که «تعزیه خوان» یا «شبییه گردان» گفته شود.

ص ۱۶۴ - عکس آن دو نفری است که عکسشان تک تک در صفحه ۱۶۲ و ۱۶۳ آمده است.

ص ۱۶۸ - به جای آهنگران خرده پا بهترست که «بساطی» ذکر می شد.

ص ۱۷۸ - صحنۀ سفال فروشی است نه کوزه گری.  
 ص ۲۰۲ - شاید حلاج گویاتر از پنبه زن باشد.  
 ص ۲۲۵ - بیشتر به کارگاه قلمزنی شباهت دارد.  
 ص ۲۳۲ - سرتراش (حلاق) است نه دلاک. معمولاً دلاک به کسی گفته می شود در درون حمام کار می کند و سرتراش در خیابانها.  
 ص ۲۹۰ - این میرزا تقی خان ظاهراً مدیر روزنامه فرهنگ است که در زمان ظل السلطان در اصفهان آغاز به انتشار یافت.

ص ۲۴۹ - آنچه در عکس دیده می شود «نشنو» است نه گهواره. گهواره چوبی و غلطان است و نشنو چرمی یا پارچه و تاب خوانده (گفته دکتر منوچهر ستوده که متوجه شد)  
 ص ۳۵۷ - بساط سفال فروشی است.

ص ۳۵۹ - بهترست کره گیری گفته شود تا کره سازی.  
 ص ۳۸۲ - ظاهراً ننه جان بهترست از نانا جان. (شکل فرنگی - امریکائی).  
 ص ۴۰۰ - آبکشی یا دولاب.

ص ۴۱۹ - تریاک مالی اصطلاح است نه تریاک سازی.  
 ص ۴۲۸ - بند قهرود درست است.

اگر از من پرسید کدام عکس ازین مجموعه برای تاریخ مفیدترست عرض می کنم منظره ایزد خواست زیرا دیگر نشانی از ساختمانهای چشمگیر آن آبادی بر جای نگه نداشته اند. کوششهای نوین این دو بانوی ارجمند قابل ستایش است همچنانکه کار پیشین محمد عاصمی.

#### ۹۶۶ - سفرنامه های ایرانیان از نگاه ژاپونی

توموکو موزیکاوا پژوهنده ژاپونی مقاله ای درباره سفرنامه های دوره قاجاری ایرانیان به دو زبان ژاپونی و انگلیسی انتشار داده است. ازو که ۲۶ سفرنامه از دوره فتحلی شاه، سیزده سفرنامه از دوره محمد شاه، یکصد و شصت و سه سفرنامه از دوره ناصرالدین شاه، سی و سه سفرنامه از دوره مظفرالدین شاه و سه روزنامه از دوره محمدعلی شاه و هفده سفرنامه از دوره احمد شاه درین مقاله خبر داده است.

جز آن جدول دیگری ترتیب داده است که تعداد سفرنامه های جهانگردی و تفریحی را ۱۰۴ (که ۵۸ تا درونی ایران است)، نود و هشت سفرنامه مأموریتی (که پنجاه و هفت تا درونی ایران است) و هشتاد و یک سفرنامه زیارتی (که هجده تا از آنها درونی ایران است).  
 در پایان جدولی از آنها در سر مبحث جهانگردی، مأموریتی، زیارتی ارائه می دهد و در هر

یک از آنها نام سفرنامه‌ها به ترتیب الفبایی قید شده است. امیدست ایشان بتوانند برای تکمیل تحقیق خود رساله دکتری محمد اسدیان درباره سفرنامه‌ها که در دانشسرای عالی گذشته است و مقاله مندرج در جشن‌نامه دکتر ذبیح‌الله صفا و بعضی از تحقیقات رسول جعفریان درین باره را نیز مطالعه فرمایند.

عنوان انگلیسی مقاله موریکاوا چنین است:

Bibliographical note on Safarnama materials in the Qajar-Period

مقاله ژاپونی در سال ۲۰۰۱ نشر شده است.

#### ۹۶۷ - شناسان ۱۳۷۸

دیروز دفتری را دیدم که دانشگاه تهران برای شناساندن خود، در سال ۱۳۷۸ کتابی منتشر کرده است و بر جلد آن «شناسان ۱۳۷۸» نوشته‌اند، «شناسان» کلمه‌ای است ساختگی که حکایت از چه می‌کند نمی‌دانم. حق بود مسؤول اداره روابط عمومی آنجا که متصدی نشر این دفتر بوده است از گروه زبان‌شناسی دانشگاه یا فرهنگستان زبان می‌پرسید «شناسان» چه مفهومی را در اذهان خواهد گنجانید. اگر پاسخ می‌شنید که گویای مصداق و مفهوم درستی است آن را برین دفترچه خوش رنگ و رو می‌نوشتند. نمی‌دانم هیچ یک از زبان‌شناسان این واژه را مقبول می‌داند یا نه؟

#### ۹۶۸ - مقاله تازه کوندو درباره وقف

نوبواکی کوندو N. Kondo از ژاپونیانی است که چندین مقاله درباره وقف‌های ایرانیان نوشته است و درین زمینه آنچه به فارسی نشر شده دیده و خوانده است (البته مقاله‌های تحقیقی و وقفنامه‌های معتبر را).

تازه‌ترین مقاله او با عنوان موقوفه «دو وقفه» در نشریه سالانه انجمن مطالعات خاور میانه ژاپون (AJAMES) جلد نوزدهم شماره دوم (۲۰۰۴) نشر شده است و آن درباره وقف بودن روستایی است در دوره قاجار که توسط دو شخص مختلف و برای دو منظور متفاوت شده است. کوندو این وقفنامه‌ها را در سازمان اوقاف دیده و درین نوشته کوشیده است که جریان حکم مجتهدین را درباره آن توضیح بدهد و از نظر شرعی بیان کند که وقفیت چه کیفیتی تواند داشت.

#### ۹۶۹ - Iranian Studies (شماره افغانستان)

سی و هفتمین دوره این مجله از سال ۲۰۰۴ با مدیریت محمدعلی همایون کاتوزیان انتشار یافت.

# Iranian Studies

Journal of the International Society for Iranian Studies

EDITOR

**Homa Katouzian**, *University of Oxford, UK*

ASSISTANT EDITOR

**Dominic Brookshaw**, *University of Oxford, UK*

BOOK REVIEW EDITORS

**Houchang E. Chehabi** (Social Science), *Boston University, USA*

**Rudi Matthee** (History), *University of Delaware, USA*

**Kamran Talattof** (Literature and Culture), *University of Arizona, USA*

۱۰۸

مجله نشریه انجمن بین‌المللی مطالعات ایرانی است. این انجمن به همت جوانان دانشمند گروهی ایرانی و امریکایی که اغلب از دانشگاه‌های امریکا فارغ التحصیل شده بودند، حدود چهل سال پیش تأسیس شد و به تدریج بعضی از معارف ایرانشناسان امریکا مانند دکتر ریچارد فرای به آن پیوستند و اکنون بنیان معتبری است در رشته ایرانشناسی و مجله آنها به مرتبه‌ای از حیثیت و کمال رسیده است که ناشر تجاری معروف انگلیس Carfax Publishing, Taylor and Francis Group آن را به چاپ می‌رساند و توزیع می‌کند.

جای خوشوقتی است که به ابتکار کاتوزیان دومین شماره سال سی و هفتم به افغانستان اختصاص یافته است و جمیل حنیفی (افغانی) سردبیر مهمان این شماره است. مقالاتی که درین شماره می‌بینیم اینهاست.

محمد جمیل حنیفی: مقدمه

شاه محمد حنیفی: پول نقد و اعتبار و قرض در افغانستان قرن نوزدهم

السندرو مون سوتی (ایتالیایی): A. Monsutti: تعاون، پول رسانی، خویشاوندی در میان

هزاره)

روبرت کن فیلد R. Canfield: تمایلات جدید در میان هزاره‌ها

توماس برفیلد Th. Barfield: مسائل استقرار قانون طلبی در افغانستان

محمد جمیل حنیفی: تسلط طلبی لوی جرگه

مقالات بخش انتقاد کتاب این شماره به سه کتاب درباره افغانستان و دوازده کتاب درباره ایران و سه کتاب درباره مناطق هند و آسیای مرکزی مربوط است. درین مجله معرفی کتابهای مربوط به ایران جدی گرفته می شود (مخصوصاً نوشته های به زبانهای اروپایی) و قسمت کتابهای فارسی آن تصادفی و ضعیف است.

### ۹۷۰ - ماخذ کتاب خوزستان و لرستان

به کوشش آقای مهندس منوچهر احتشامی، مجموعه اسنادی که از دوران حکومت خانلر میرزا احتشام الدوله در خوزستان و لرستان و بختیاری از دستبردهای روزگاران بر جای مانده است به چاپ رسید و گنجینه ای بسیار مفید در دسترس پژوهشگران تاریخ اوایل پادشاهی ناصرالدین شاه (با چند سند از شخص امیرکبیر) قرار گرفت.

اما تعجب است که نه در پیش سخن آقای احتشامی و نه در نوشته ای که از خانمها آریتا لقایی و فاطمه معزی پس از آن آمده گفته نشده است که این اسناد متعلق به کی است یا کجاست. چون همیشه پژوهشگران انتظار دارند که منشأ به دست آمدن سند را بدانند پس گفتن این چند کلمه ضرورت دارد.

موقعی که در کتابخانه دانشکده حقوق کتابداری می کردم روزی به دفتر کتابفروشی مرحوم نصرالله سبوحی در خیابان ناصر خسرو رفتم. ایشان گفت به تازگی چند مجموعه خطی از اسناد قدیمی خریده ام که برای کتابخانه دانشکده حقوق مفید خواهد بود. آنها را که چهار یا پنج جلد بود دیدم. با اصرار پرسیدم از کجا خریده اید زیرا دانستن منشأ آنها برای کتابخانه و جواب داشت. گفت متعلق به ورثه عبدالحسین هژیر بود. پس با شادروانان دکتر محسن صبا و محمد تقی دانش پژوه در میان گذاشتم و نسخه ها خریده شد.

نخستین بار این مجموعه به اجمال در فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشکده حقوق توسط مرحوم دانش پژوه شناسانده شد (ص ۱۸۸) به شماره ب ۱۲۴. طبعاً آگاه بودن از مشخصات نسخه برای محققان و نگرندگان به کتاب تازه انتشار ضرورت دارد. فهرست مرحوم دانش پژوه در ۱۳۴۰ منتشر شد و در همان سال متن منشور ناصرالدین به احتشام الدوله درباره عزل امیرکبیر و نصب میرزا آقاخان نوری در ضمائم کتاب میرزا تقی خان امیرکبیر عباس اقبال به چاپ رسانیدم. اما سبب اینکه هژیر آنها را داشت، بطوری که از مرحوم سعید نفیسی شنیدم این بود که هژیر به مناسبت علاقه مندی به نگارش تاریخ اوائل عصر قاجاری به گردآوری اسناد پرداخته بود و می دانیم که رساله ای هم به نام از پترزبورغ تا قسطنطنیه در لندن به چاپ رسانید.



اقدام آقای مهندس احتشامی در استنساخ و چاپ این کتاب شایسته تقدیرست و حق بود بانوانی که نام شریفشان بر کتاب دیده می شود فهرست ترتیبی عناوینی را که به سندها داده اند همراه تاریخ هر یک در آغاز یا پایان کتاب آورده بودند تا که مراجعه کنندگان با سهولت بر مضامین آنها آگاهی می یافتند.

سندهای تاریخ دار از جمادی الاول ۱۲۶۷ (از امیرکبیر) شروع می شود و به ذیقعدۀ ۱۲۷۵ پایان می گیرد و پنج مکتوب از امیرکبیر در مجموعه دیده می شود.

نامه ها را به ترتیب تاریخی درین کتاب آورده اند مگر مانند شماره ۳۸ (ذی حجه ۱۲۶۸) که باید پس از شماره ۳۹ قرار می گرفت.

توضیحاتی که برای بعضی از نامه ها در پاورقیها آمده مفید است ولی باید عرض کنم که اسناد کتاب «نگاهی به خوزستان» به من درست نیست. لطفاً در چاپ دیگر اصلاح فرمائید.

در فهرست اعلام اگر نام طوایف و عشیره ها ذکر شده بود بسیار مفید بود. بدعتی هم که در ارجاع دادن از نامی به نامی دیگر با الحاق همزه (ه) به پشت انجام شده است نام گویا نیست، بطور مثال امیرکبیر، محمدتقی خان فراهانی. مرسوم آن است که = یا آ یا نک و امثال آنها گذاشته می شود

سندها بسیار اهمیت دارد و دالّ است بر کفایت و اقتدار و تدبیر احتشام الدوله در رفع طغیانهای مختلف. انتشار کتاب را که مدتی گرفتار چاه ویل بود به دوستم آقای احتشامی تبریک می گویم.

۱۱۰

### ۹۷۱ - معرفی میراث مخطوط

چند سال است که در قم از سوی مجمع ذخائر اسلامی - که دانشمند نسخه شناس متبحر آقای سیداحمد حسینی اشکوری آن را بنیاد نهاده است و رهبری می کند - سلسله فهرستهایی با نام مذکور در فوق منتشر می شود. کوشش خاص ایشان بر آن است تا مجموعه های خصوصی و عمومی کوچک را که در شهرهای مختلف دور از آگاهی کتابشناسان مانده است فهرست کنند و هر یک را مستقلاً به چاپ برسانند. درین کار سودمند دو فرزندشان (صادق و جعفر) که رشته پندری را از دست نگذاشته و در آن فن به بصیرت رسیده اند همکاری دلسوزانه دارند و بعضی از مجلدات دستکار ایشان است.

آگاهی داشتن از وجود نسخه های خطی پراکنده - هر چه باشند، برجسته یا بسیار فرو افتاده - ضرورت دارد برای آنکه ممکن است در میان صد نسخه معمولی یک رساله یا متن مهم فراموش شده به دست آید. بنابراین انتشار این مجموعه سودمندی بسیار خواهد داشت. دست

کم ازین بابت که بدانیم بهمان مجموعه اهمیتی متنی و موضوعی ندارد.

تاکنون شانزده مجلد ازین مجموعه از کتابخانه‌های زیر منتشر شده است

۱. مجموعه خورشید گردیزی، ملتان پاکستان (۵۴ نسخه)
۲. مدرسه آیه‌الله بروجردی، کرمانشاه (۱۴۳ نسخه)
۳. آکادمی لینیچی، رم ایتالیا (برگردان فهرستهای به زبان ایتالیایی)
۴. کتابخانه مفتی الشیعه، قم (۱۱۰ نسخه)
۵. خاندان میبدی، کرمانشاه (۲۱۶ نسخه)
۶. کتابخانه‌های قائن (۲۵۲ نسخه از سه کتابخانه)
۷. کتابخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی کاشان (۱۱۰ نسخه)
۸. کتابخانه‌های گلپایگان (۲۲۷ نسخه از سه کتابخانه)
۹. مؤسسه امام صادق (ع) قم. (۱۳۸ نسخه)
۱۰. کتابخانه میرزا محمد کاظمینی، یزد، جلد اول
۱۱. کتابخانه میرزا محمد کاظمینی، یزد، جلد دوم (۵۵۰ نسخه در دو جلد)
۱۲. میرزا محمد کاظمینی، یزد (عکس ۱۹۰ سند)
۱۳. مدرسه جعفریه، زهان قائن (۱۴۰ نسخه) به انضمام مجموعه خصوصی سید معصوم قهستانی در قائن (۴۹ نسخه)
۱۴. مؤسسه آیه‌الله بروجردی، قم (در حال نشر)
۱۵. کتابخانه دیانی، بیرجند (در حال نشر)
۱۶. کتابخانه صدوقی یزدی (محمدعلی)، یزد. (۲۰۰ نسخه)

۹۷۲ — پیامی به مجلس علمی رونمایی کتاب فرانسیس ریشار

بیمارستان جم — ۱۸ بهمن ۱۳۸۳

چون شنیدم برای شرکت در مراسمی به طهران تشریف آورده‌اید تا بحق ذکر خیر شما به میان ارباب فضل گفته آید بر من فرض بود که آنجا می‌بودم و به شما تبریک حضوری می‌گفتم. ولی بیماری ناگهانی مرا به بیمارستان رسانید و بستری‌ام. ناچار بدین چند سطر اکتفا می‌کنم. خدمات شما به نسخه‌شناسی ایرانی (فارسی علی‌الخصوص) از نمونه‌های برجسته است. من هر بار که بدان نگریسته‌ام اعجاب کرده‌ام از ژرف‌نگری و توجه خاص و دقیق شما به منابع. مقصودم تحسین آن جلدی است که از فهرست جدید نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس انتشار داده‌اید. و نمونه است برای هر فهرست‌نویس.



● فرانسویس ریشارد

دفتر سخنرانی‌های دلبذیرتان هم که موجب آشنایی عمیق و روش و گویای فرانسویان با دنیای نسخه خطی ایرانی خواهد بود و از طرف کتابخانه ملی فرانسه انتشار یافته است طبعاً موجب استفاده همه نگرندگان به نسخه‌های خطی خواهد بود. ازین لحاظ که حاوی نکته‌های ریز و تازگیهایی است که جای دیگر مورد نظر نبوده است.

امیدوارم شما سلامت باشید و من از پژوهش‌های شما بهره‌ور شوم.

ایرج افشار

بیمارستان جم

ضمناً گفته شود که ریشارد دریافت کننده جایزه پژوهشگر سال ۱۳۸۳ ایران بود و سخنان کوتاه ولی مؤثر و دلسوزانه‌ای به زبان فارسی درباره ایرانشناسی ایراد کرد که خواندندش و ماندنش درین بخش ضرورت دارد.

«سرشار از خوشحالی و شرمم زیرا کارهای من شایسته این جایزه نیست.»

فرانسویس ریشارد، ایرانشناس، فهرست‌نویس، نسخه‌شناس و پژوهشگر برگزیده جایزه جهانی کتاب سال ضمن بیان مطلب فوق کارهای خود را ثمره همکاری با دانشمندان ایرانی دانست و گفت: از آنجایی که من مسؤل نسخه‌های خطی پاریس بودم خوب می‌دانم که این نسخه‌ها چقدر برای تاریخ ایران اهمیت دارد و چه گنجینه عظیمی برای جهان اسلام است.



وی افزود: برای حفظ و شناسایی این نسخ باید کوشش شود و تأسیس مرکز ایرانشناسی در سراسر دنیا در رسیدن به این هدف نقش مهمی دارد.

ریشارد حمایت از ایرانشناسان، تشکیل دوره‌های کوتاه علمی ایرانشناسی و اهدای بورس تحصیلی به دانشجویان را از دیگر اقدامات مفید در جهت معرفی ایران و حفظ نسخ خطی ایران دانست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

#### ۹۷۳ - با مرتضی ممیز

چهره نجیب و مردانه مرتضی ممیز را روی جلد نگاه نو (ش ۶۴) دیدم و از خواندن یادداشت دلچسپی که علی میرزایی نوشته بود آگاه شدم که چندی پیش به شایستگی و خجستگی از و تجلیل شده است.

مرتضی ممیز دوست خوب دیرین من است. با او آشنا شدم از زمانی که در سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۲ گاهی مسئولیت کارهای بنگاه ترجمه و نشر کتاب از سوی مؤسس آنجا بر عهده‌ام گذاشته می‌شد و چون مرتضی در همان اوقات برجسته‌ترین نگاره‌گر در طراحی پشت جلد بود با آن مؤسسه همکاری داشت و من از و بسیار آموختم. در دوره در آمدن راهنمای کتاب هم از لطف و نظر او بهره‌ور می‌بودیم.



● ایرج افشار- مرتضی ممیز- محمد احصایی و علی دهباشی (عکس از طوبی ساطعی) دی ۸۳

موقعی که ساختمان کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران آماده شد چون می‌بایست که در آویختن تابلوها و آرایشهای تالارها و آراستن نمایشگاهها و طراحی پوستره‌های چشمگیر و تهیه جزواتی که به مناسبت مجالس فرهنگی می‌بایست انتشار پیدا کند همواره و همه جا نگاه هنری بر فضاها حاکم باشد از دوست عزیزم دکتر هوشنگ نهاوندی رئیس وقت دانشگاه خواستم که ممیز را مشاور هنری کتابخانه کند. چنین فرمود و تا بودم مرتضی کنار من بود. دو طراحی او از نیما یوشیج و ملک الشعرای بهار که برای کتابخانه مرکزی کشیده از کارهایی است که والایی ذوق و دید هنرشناس او را نشان می‌دهد. آن دو طرح بارها اینجا و آنجا به چاپ رسیده است.

مرتضی از دوستان شایسته من است. شاید که روزهای خوش را با او چه در خانه‌اش و چه در باغک او در آغشت گذرانده‌ام. او به فرزندم بابک هم محبت داشت. نمونه‌اش نشان بسیار گویا و هنرشناسانه‌ای است که برای کتابفروشی تاریخ طراحی کرد.

درین روزها هم از سر لطف برای کتاب «کتابفروشی» پشت جلدی آراست که خطش از دوستم محمد احصایی است و سرانجامش از مرتضی و همسر گرامیش.

تردید نیست که ممیز مکتب‌ساز هنر گرافیک در ایران است و آثار او را در کتابهای متعددی می‌بینیم که نشر شده است و شماره‌های مجله «نشان» نشریه‌ایی که بسیار تحسین‌انگیز و زاده همت ممیز است.